

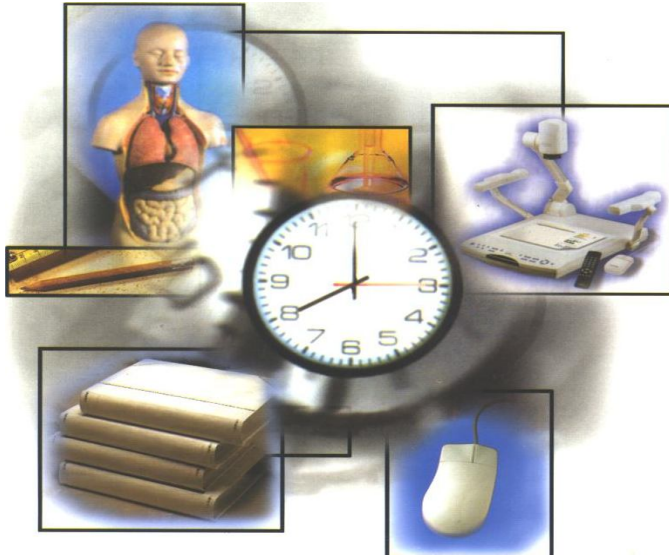


دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شاهرود

معاونت آموزشی

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

# طراحی منظم آموزشی (قسمت اول)



تهیه و تنظیم:

مسعود رحیمی، ربابه زروج حسینی

حضرت علی (ع) :

**دانش راه عذرتراشی  
را بر بهانه جویان  
بسته است**

## اهداف رفتاری:

از خواننده انتظار می رود پس از مطالعه بتواند:

- 1- هدف آموزشی را تعریف نماید.
- 2- راههای مختلف بیان اهداف آموزشی را مشخص نماید.
- 3- انواع اهداف آموزشی را بیان نموده و حداقل 2 تفاوت عمده آنها را مشخص نماید.
- 4- ویژگیهای اهداف رفتاری را مشخص نموده و برای هر کدام مثالی ذکر نماید.
- 5- طبقه بندی اهداف آموزشی را طبق نظریه بنیامین بلوم توضیح دهد.
- 6- طبقه بندی هر یک از حیطه های آموزشی را به ترتیب شرح دهد.
- 7- حداقل دو واژه رفتاری مناسب، برای بیان جزء رفتار، در هر یک از طبقات واقع در حیطه ها را نام ببرد.

## فرآیند طراحی منظم درسی:

یکی از الگوهای ارائه شده، الگویی است که برنامه‌ریزی درسی را در قالب چهار مرحله اساسی پیشنهاد می‌نماید. هر کدام از این مراحل خود دارای اجزاء مختلفی است:

**مرحله اول)** تعیین هدف کلی، یعنی پاسخ این که: برای چه چیزی باید برنامه ریخته شود.

**مرحله دوم)** تحلیل آموزشی: یعنی تبدیل هدف کلی به هدف‌های رفتاری و عینی که با توجه به معرفت و دانش موجود، ارزش‌ها و نیازهای جامعه، نیازهای دانشجویان، فرآیند یادگیری تعیین و تصریح می‌شوند.

**مرحله سوم)** گزینش محتوا و تعیین خط‌مشی آموزشی، انتخاب مواد و روش‌ها برای هماهنگ کردن و هدایت مسیر فعالیت‌ها به سوی هدف‌های تعیین شده و به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

**مرحله چهارم)** تعیین نظام ارزشیابی برای تعیین میزان دستیابی به هدف‌ها و مشخص ساختن موانع و نارسایی‌ها و استفاده از نتایج ارزشیابی به عنوان بازخورد در برنامه‌ریزی بعدی.

## اهداف آموزشی:

به آن دسته از اهداف آموزشی که دانشجو قبل از دوره آموزشی فاقد آن بوده و استاد انتظار دارد دانشجو در پایان دوره آموزشی به آن دست یابد اهداف آموزشی اطلاق می‌شود.

هدف‌های آموزشی قصد و منظور معلم را از آموزش مطالب درسی به نحوی دقیق و مشخص نشان می‌دهند. در رابطه با لزوم تعیین اهداف آموزشی دلایل زیادی را می‌توان مطرح نمود که به دلایل با اولویت بیشتر به شرح ذیل اشاره می‌نماییم.

- 1- مشخص کردن هدف و پیدا کردن مسیر، جهت حرکت را آسان‌تر می‌کند.
- 2- تعیین و یا تدوین و یا اضافه کردن محتوی بدون توجه به اهداف جنبه علمی ندارد.

- 3- چون انتخاب شیوه‌های تدریس ارتباط مستقیم و نزدیکی با محتوای آموزشی دارد، بنابراین وجود اهداف آموزشی به انتخاب درست و منطقی آنها نیز کمک می‌کند.
- 4- نظر به اینکه مواد و وسایل آموزشی مورد استفاده بایستی با توجه به محتوی و شیوه‌های تدریس انتخاب شود، بنابراین می‌توان وجود اهداف آموزشی را در انتخاب مواد و وسایل آموزشی دخیل دانست.
- 5- چون ارزشیابی پیشرفت تحصیلی بایستی بر اساس محتوی تدریس شده بعمل می‌آید، بنابراین نقش اهداف آموزشی در طراحی و اجرای یک ارزشیابی منطقی کاملاً انکارناپذیر به نظر می‌رسد.
- 6- نظر به اینکه انتخاب و توصیه فعالیت‌های آموزشی (تجارب یادگیری) برای فراگیران بایستی با توجه به محتوی مورد تدریس صورت می‌گیرد، بنابراین می‌توان ادعا کرد که اهداف آموزشی در این مورد نیز نقش مؤثری را دارا هستند.

### **راههای مختلف بیان هدفهای آموزشی:**

- 1- **با توجه به فعالیت‌های معلم:** بعضی از معلمان هدفهای آموزشی خود را با توجه به روش آموزش خویش یا فعالیت‌هایی که برای آموزش دادن آن هدفها انجام می‌دهند، بیان می‌کنند مانند نمونه‌های زیر:
- آموزش مفهوم دایره، وتر و کمان دایره، معرفی انواع مقاومت‌ها، جلب توجه فراگیران به بعضی از کارهای خیر

2- با توجه به فعالیت‌های دانش آموزان: تعدادی از معلمان هدف‌های آموزشی خود را با توجه به فعالیت‌های مختلف دانش آموزان بیان می‌کنند مانند: تمرین خط نستعلیق، تمرین جمع، تمرین روی مطالب صفحات 35 تا 45

3- با توجه به عنوان درس: پاره‌ای از معلمان عنوان‌های درس را برای بیان هدف‌های آموزشی مورد استفاده قرار می‌دهند مانند: علل جنگ جهانی اول، قانون شکست نور و سلسله صفویه

4- با توجه به یادگیری دانش آموزان: گروهی از معلمان هدف‌های آموزش خود را با توجه به یادگیری فراگیران بیان می‌کنند مانند: هضم و فهم مطالب تازه از سوی فراگیران و آشنایی با دستور زبان

هدف اصلی فعالیت‌های آموزشی معلم، ایجاد یادگیری در دانش آموزان و دانش‌جویان است بهترین راه بیان هدف‌های آموزشی در نظر گرفتن یادگیری آنان و استفاده از آن در تدوین هدف‌های آموزشی است. یادگیری، ایجاد نوعی توانایی است که مستقیماً قابل مشاهده نیست و برای استنباط میزان یادگیری فرد باید به رفتار و عملکرد آشکار او مراجعه شود. لازم است هدف‌های آموزشی را بر حسب رفتارها و عملکرد قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری یادگیرندگان بیان کنیم.

### **انواع اهداف آموزشی:**

اهداف آموزشی را با توجه به معیارهای مختلفی مورد تقسیم‌بندی قرار می‌دهند که ما در اینجا صرفاً به یکی از آنها اشاره می‌نماییم:

1- اهداف کلی

2- اهداف جزئی

### اهداف کلی (Goals) :

انتخاب و یا تدوین اهداف کلی به مشخص کردن محدوده و محتوی مورد بحث کمک می کند و چون با وجود اهداف کلی، معلم می تواند برای تدریس هر جلسه از درس خود محدوده خاصی را در نظر داشته باشد، بنابراین خود بخود محتوی به طور صحیحی از ساده به پیچیده مطرح شده و در هر جلسه معلم به قسمتی خاص از آن پرداخته و از تداخل مطالب با یکدیگر جلوگیری می کند.

هر هدف کلی بایستی یک حالت کلی و مبهم و گنگ را دارا باشد و معمولاً بایستی پس از حصول چند هدف جزئی مورد دستیابی قرار گیرد.

### برای تعیین هدف کلی باید:

- 1- از وظایفی که یادگیرنده در آینده خواهد داشت آگاه بود.
  - 2- ارتباط منطقی بین هدف کلی درس و حرفه آینده وجود داشته باشد.
- افعالی که برای اهداف کلی بکار می روند: فهمیدن - دانستن - به کار بردن - ارج نهادن - گوش دادن - فکر کردن - خلق کردن - قدردانی کردن - آشنا شدن - شناختن

### مرحله دوم: تحلیل آموزشی

تحلیل آموزشی عبارت است از معین کردن فعالیت هایی که مجموعه آنها می تواند فراگیر را به انجام رفتار نهایی (هدف کلی) قادر سازد.

### اجرای دقیق فرآیند تحلیل آموزشی مستلزم برداشتن گام های زیر است:

1- تعیین رفتار ورودی (معلومات و مهارت های پیش دانسته)

2- تعیین ارزشیابی تشخیصی

3- تبدیل هدف کلی به اهداف جزئی

4- تبدیل هدف جزئی به اهداف رفتاری

5- تعیین اولین گام آموزشی (نقطه شروع درس)

**تعیین رفتار ورودی:** رفتار ورودی عبارت است از آموخته‌ها و توانایی‌هایی که دانشجویان قبل از شروع درس جدید باید آن را کسب کنند تا بتوانند درس جدید را فراگیرند.

### **آزمون رفتار ورودی و ارزشیابی تشخیصی:**

آزمون رفتار ورودی از نمونه سوالاتی است که مبتنی بر توانایی‌ها و مهارت‌های پیش دانسته است و با استفاده از مطالب پیش دانسته یا پیش نیاز تعیین می‌شود در بیشتر موارد، آزمون رفتار ورودی همان آزمون پایانی درس قبل است.

### **اهداف جزئی (Objective) :**

اهداف جزئی از آن نظر مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گیرند که اهداف کلی به خودی خود به دلیل مبهم و کلی بودنشان نمی‌توانند به راحتی مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین لازم است اهداف کلی را به اجزاء کوچکتر و خردتری که همان اهداف جزئی هستند تقسیم نمود. هدف‌های جزئی یا مرحله‌ای آموزشی از هدف‌های کلی سرچشمه می‌گیرند ولی نسبت به هدف‌های کلی محدودتر و مشخص‌ترند. هدف کلی جهت حرکت را مشخص می‌کند در حالی که هدف جزئی مقاصد را مشخص می‌سازد، در نتیجه دارای جنبه‌های عملی بیشتری بوده و دارای حالتی صریح و روشن و واضح می‌باشند. هدف‌های جزئی بعضی مواقع نقش هدف کلی را به عهده می‌گیرند، در این صورت می‌توان از آنها هدف‌های جزئی دیگری ساخت در حقیقت نکته مهم نسبی بودن هدف‌هاست.



## اهداف رفتاری (behavioral objective) :

در پاره‌ای از منابع هدفی را رفتاری معرفی کرده‌اند که رفتار و یا عملی که بروز آن از فراگیر انتظار می‌رود به صورت فعلی قابل مشاهده و اندازه‌گیری تدوین کرده باشند، بنابراین از این دیدگاه می‌توان یک هدف جزئی را هدف رفتاری نیز نامید.

ولی از دیدگاه دیگر نمی‌توان یک هدف جزئی را با هدف رفتاری یکسان تلقی نمود زیرا با وجود قابل مشاهده و اندازه‌گیری بودن رفتار در هدف جزئی، هدفی را که دارای چهار جزء اساسی محتوا، رفتار، شرایط و معیار نیست، نمی‌توان یک هدف رفتاری کامل دانست، بنابراین هدفی رفتاری کامل است که چهار جزء یاد شده را دارا باشد.

### تعاریف چهار مفهوم ذکر شده:

1- **محتوی (objective):** رفتار عینی است که دانشجو در طول دوره آموزشی کسب کند

(چه کاری را باید انجام دهد)

2- **رفتار (behavior) :** همان عمل یا قابلیت است که بروز آن را از دانشجو انتظار داریم

(انتظارات فرادهنده از فراگیر)

3- **شرایط (Condition) :** عبارت است از موقعیتی که رفتار مورد نظر در آن بروز می‌کند

یعنی رفتار نهایی که با ذکر شرایطی مایلیم تحت آن شرایط دانشجو به هدف دست یابد.

این شرایط عبارت است از :

**الف) امکانات:** دانشجو در هنگام عملکرد چه وسایل مناسبی در اختیار خواهد داشت ،

( کتاب، جزوه، متن توصیفی، ماشین حساب، مواد مورد نیاز خاص و ... )

**ب) محدودیت‌ها:** دانشجو در هنگام عملکرد از کاربرد چه وسایل و منابعی محروم خواهد

بود.

ج) اوضاع و احوال: فراگیر تحت چه شرایط یا اوضاع و احوالی (در کجا: کلاس، آزمایشگاه، بیمارستان و ...) و با حضور چه کسانی (استاد، همدرسان، ناظر و ارزیاب) به عملکرد خواهد پرداخت.

4- **معیار (Criterion):** منظور از معیار، حد نصابی است که بر اساس آن، رفتار نهایی و میزان موفقیت فراگیر در رسیدن به اهداف آموزشی ارزشیابی و سنجیده می‌شود. در واقع معیار نشان می‌دهد که رفتار تا چه میزان از خطا یا نقصان قابل قبول تلقی می‌شود و بر اساس آن می‌توان پیشرفت و شایستگی دانشجو در مرحله و زمان معین بررسی نمود. در معیار از مواردی مانند محدوده‌های زمانی (در عرض دو دقیقه) و تعداد پاسخ‌های صحیح (7 مورد از 10 مورد و ... درصد (با 80% صحت و ... ویژگی‌های عملکرد (با در نظر گرفتن کوچکترین اجزای هر مرحله و ...) استفاده می‌شود.

**برای تعیین اهداف رفتاری (رفتارهای ویژه عینی) باید به نکات زیر توجه شود:**

1- با در نظر گرفتن هدف کلی، دانش، توانش و نگرش‌هایی را که انتظار می‌رود دانشجو در پایان دوره کسب نماید را لیست کند.

2- آنچه لیست می‌شود باید از اجزای هدف کلی باشد نه چیزی کمتر یا بیشتر از آن.

3- فعالیت‌های مورد نظر را باید به صورت رفتاری و قابل رؤیت تعیین نمود زیرا:

**الف)** نمی‌توان برای تعیین آنچه دانشجو می‌داند درون ذهن وی را مشاهده کرد.

**ب)** برای دانشجویان کاملاً واضح باشد که رسیدن به انتظار مورد نظر استاد را با چه نوع رفتاری نشان دهند.

ج) برای استاد کاملاً روشن باشد که با مشاهده چه نوع رفتاری، به میزان یادگیری در دانشجوی خود پی ببرد.

4- برای انتقال مقصود آموزشی بهتر است تعداد رفتارهای عینی بیشتر باشد.

5- رفتارهایی را در نظر گرفت که در مدت زمان معینی قابل دسترسی باشد.

### **فواید استفاده از هدفهای رفتاری:**

1- بیان هدفهای آموزشی به صورت علمکرد یادگیرنده، اجرای آموزش را برای معلم آسان می‌کند.

2- سهولت بخشیدن به عمل ارزشیابی معلم از آموخته‌های دانش آموزان و دانشجویان است.

3- سومین فایده از هدفهای دقیق رفتاری کمکی است که آنها به یادگیرنده می‌کنند، اگر یادگیرنده از پیش بدانند که معلم در پایان کار از او چه انتظاراتی دارد و این انتظارات را به طور آشکار به یادگیرنده بگوید، یادگیرنده با آرامش خاطر و آمادگی بیشتر به یادگیری آنها خواهد پرداخت.

4- چهارمین دلیل مهمی را که می‌توان برای دفاع از کاربرد هدفهای رفتاری عنوان کرد اهمیت آنها در فراهم آوردن امکانات برای مسئولان پرورشی و معلمان در نشان دادن اثر بخشی کار آنهاست.

### **طبقه‌بندی اهداف آموزشی:**

برای اهداف آموزشی طبقه‌بندی‌های مختلفی ارائه شده است که یکی از معروف‌ترین آنها طبقه‌بندی بنیامین بلوم و همکاران او است. در این طبقه‌بندی اهداف آموزشی در سه حیطه

شناختی (Cognitive)، عاطفی (Affective) و روانی - حرکتی (Psychomotor) قرار می‌گیرد.

### ارتباط حیطه‌های سه‌گانه:

یادآوری این نکته ضروری است که با وجود اینکه هدف‌های شناختی بر تفکر هدف‌های عاطفی بر احساس و هدف‌های روانی - حرکتی بر حرکات و مهارت‌های فیزیکی تاکید دارند، لکن همانند دایره‌های متداخلی هستند که در حوزه عمل یکدیگر اثر می‌گذارند. از آنجا که اهداف حیطه شناختی جنبه نظری و فکری دارد به آنان سر (head)، اهداف حیطه عاطفی چون سبب تغییر نگرش می‌شوند به آنها قلب (heart) و اهداف در حیطه روانی - حرکتی که جنبه مهارتی دارند را دست (hand) گویند که این سه به 3H معروفند.

### حیطه شناختی:

بر یادآوری یا بازشناسی و بازسازی آنچه که آموختنش ضروری است و دانشجو باید بداند و بفهمد تاکید می‌کند. این حیطه مربوط به اهدافی می‌شود که محتواهای مربوط به آنها کاملاً جنبه تئوری داشته و دستیابی به آنها فعالیت‌های ذهنی و عقلانی قابل توجهی را ایجاب می‌کند.

### طبقات حیطه شناختی:

1- آگاهی و دانش (Knowledge): یادگیری در حد آگاهی مستلزم توانایی به خاطر سپردن مطالب و به یاد آوردن آنهاست بدون هرگونه تغییر. یادگیری در این سطح صرفاً جنبه حفظی داشته و شامل به خاطر سپردن و به یاد آوردن نام‌ها، آدرس‌ها، شماره تلفن‌ها، جداول و نظایر اینها می‌شود. وازه های رفتاری مورد استفاده: تعریف کند - شرح دهد - شناسایی کند - فهرست کند - نام ببرد- بیان کند.

2- ادراک و فهمیدن (Comprehension): یادگیری در حد ادراک مستلزم توانایی به خاطر سپردن و درک مطالب و ارائه آنها با عبارات و جملاتی می‌شود که شخص خودش می‌سازد.

افعال رفتاری مورد استفاده: تغییر شکل دهد - دفاع کند - تمیز دهد - تخمین بزند - توضیح دهد - بسط دهد - تعمیم دهد - مثال بزند - استنباط کند - تفسیر کند - پیش بینی کند - خلاصه کند - ترسیم کند - استخراج کند.

2- کاربرد (Application): در این طبقه دانشجو قادر است اصول علمی و معلومات کسب شده را در شرایط و پدیده‌های جدید و موقعیت‌های عملی بدون اینکه هیچ گونه راه حلی ارائه شود به کار گیرد.

افعال رفتاری مورد استفاده: دیاگرام بکشد- نشان دهد- پوشش دهد- اصلاح کند- حل کند پیش بینی کند - ارتباط دهد- بکار برد.

3- تجزیه و تحلیل (Analysis): یادگیری در سطح تجزیه و تحلیل مستلزم توانایی تجزیه و خرد کردن مطالب است به اجزاء تشکیل دهنده آنها و مشخص ساختن ارتباط آن اجزاء با یکدیگر است.

افعال رفتاری مورد استفاده: تفاوت بگذارد - تمیز دهد - انتخاب کند - مرتبط سازد - مجزا کند - تصویر بکشد - فهرست کند - نتیجه گیری کند - به زیر مجموعه تقسیم کند.

4- ترکیب (Synthesis): یادگیری در حد ترکیب مستلزم توانایی اتصال و به هم گره زدن اجزاء و عناصر جداگانه است همراه با نتیجه‌ای جدید و بدیع. ترکیب عبارت است از پیش هم قراردادن اجزاء برای ایجاد محصولی نو که برای یادگیرنده تازه‌گی داشته باشد.

افعال رفتاری مورد استفاده: طبقه بندی کند - ترکیب کند - تکمیل کند - طراحی کند - بیافریند - سازمان دهد - ترتیب دوباره ای دهد - مقاله بنویسد - به طریقی دیگر شناسایی کند.

5- ارزشیابی و قضاوت (Evaluation and judgment): عالی ترین سطح حیطة شناختی ارزشیابی است که پیچیده ترین سطح توانایی عقلی می باشد. کسانی که به این سطح از توانایی رسیده اند می توانند در باره ارزش کارها، اندیشه ها، بیانیه ها، راه حل ها، دستورالعمل ها و گزارش های تحقیقاتی و روش های روبرو شدن با مسایل و ... بر اساس معیارها یا ضابطه های مناسب داوری آگاهانه انجام دهند.

افعال رفتاری مورد استفاده: مقایسه کند - ارزیابی کند - مقابله کند - تصمیم بگیرد - حمایت کند.

ارزشیابی	قضاوت مبتنی بر معیارها
ترکیب	ترکیب اجزاء برای تشکیل چیزی نو
تجزیه و تحلیل	به کاربری اطلاعات در موقعیت متفاوت تجزیه کلی به اجزاء ترکیبی برای شناخت عناصر تشکیل دهنده
کاربرد	به کارگیری اطلاعات در موقعیتی متفاوت از آنچه آموخته و فهمیده می شود
درک	تفسیرها، ترجمه ها، خلاصه اطلاعات معین
دانش	دانش، بازشناسی، یادآوری آموخته

### حیطه عاطفی:

آن قسمت از اهداف آموزشی که سبب تغییر نگرش ها، عواطف، علایق و ارزش ها می شوند، در حیطه های عاطفی قرار می گیرند.

هدف‌های حوزه عاطفی به احساس، انگیزش، نگرش، قدردانی، ارزش گذاری و از این قبیل مربوط می‌شوند.

به منظور عقیده‌مند کردن یک فرد نسبت به طرز تفکر یا ارزش خاص مراحل زیر به ترتیب باید پشت سر نهاده شوند.

**1- مواجهه با موضوع و دریافت (receiving):** شامل رفتارهایی است که از وجود پدیده خبر می‌دهند و میل به تحمل در برابر شنیدن یا دیدن آن را نمایان می‌سازند، این مسأله ممکن است به صورت تماشای یک فیلم، مطالعه یک نوشته یا کتاب یا شنیدن سخنان یک فرد باشد. این طبقه به 3 خرده طبقه تقسیم می‌شود: (آگاهی - میل به پذیرش - توجه انتخاب) نمونه فعل‌های رفتاری طبقه دریافت: با دقت گوش می‌دهند - سوال می‌کند - ارائه می‌دهد - توصیف می‌کند - پاسخ می‌دهد.

**2- پاسخ دادن (واکنش Responding):** پس از دریافت و توجه به یک پدیده از دانشجو انتظار می‌رود که گامی فراتر نهد و احساس خود را فعالانه نمایان سازد. یعنی علاوه بر توجه کردن به پدیده‌ها یا محرک‌ها نسبت به آنچه می‌بیند یا می‌شنود فعالیت می‌کند، یعنی پاسخ دهد که خرده طبقه‌های این طبقه عبارت است (رضایت به پاسخ دهی - میل به پاسخ دهی - خرسندی در پاسخ دهی)

نمونه فعل‌های رفتاری طبقه پاسخ دادن: پیروی می‌کند - گزارش می‌دهد - استقبال می‌کند - یاری می‌کند - عرضه می‌کند - مطالعه می‌کند.

**3- ارزش گذاری (valuing):** در این مرحله شیء، واقعه، پدیده یا رفتار با ارزش جلوه می‌کند و رفتار شخص نشان دهنده داشتن یک عقیده یا گرایش باثبات است. این طبقه در 3 خرده طبقه تشکیل شده است (پذیرش یک ارزش، ترجیح دادن یک ارزش، تعهد)

نمونه فعل‌های رفتاری: پیشقدم می‌شود - دعوت می‌کند - پیشنهاد می‌کند - سهیم می‌شود - تصدیق می‌کند - گزارش می‌کند.

**4- سازمان‌دهی ارزش‌ها (Organization of values):** معنی این طبقه آن است که یادگیرنده مجموعه‌ای از ارزش‌ها را معین می‌سازد دو خرده طبقه آن به نام‌های (درک مفهوم یک ارزش - سازمان دادن یک نظام آموزشی) تقسیم می‌شود. نمونه فعل‌های رفتاری: طرفداری می‌کند - اصلاح می‌کند - ربط می‌دهد - مقایسه می‌کند - انتخاب می‌کند.

**5- تبلور یک ارزش یا مجموعه‌ای از ارزش‌ها (Characterization by a value or value complex):** در این سطح، شخص دارای نظامی از ارزش‌ها می‌شود که رفتار وی را برای مدتی طولانی کنترل می‌کند تا این که نوعی شخصیت در وجود او پدیدار شود. خرده طبقه‌های این طبقه (آمادگی کلی - تشخیص یا تبلور) نمونه فعل‌های رفتاری این طبقه: کیفیت چیزی را تعیین می‌کند - خدمات صادقانه انجام می‌دهد - حمایت می‌کند - اصلاح می‌کند.

### نمودار طبقات مختلف اهداف آموزشی در حیطه عاطفی

بام تبلور ارزشها در شخصیت

بام سازمان دهی ارزشها	رفتار کلی مبتنی بر ارزشهای درونی
بام ارزش گذاری	نشان دادن رفتار حاکی از تعهدات نسبت به ارزشها
بام واکنش و پاسخ دادن	نشان دادن رفتارهای منطبق بر عقیده در موقعیتهایی که اجباری برای اطاعت نباشد
بام دریافت و توجه	پذیرش انتظارات از طریق توجه یا واکنش نسبت به محرک ها
آگاهی و توجه غیر فعال نسبت به پدیده یا محرک معین	



## حیطه روانی - حرکتی:

در حیطه روانی - حرکتی اهدافی قرار دارند که تفکر و تعقل از یک طرف و توانمندی‌ها و مهارت‌های حسی از طرف دیگر در آن دخالت دارند. مهارت‌های عملی در زمینه‌های بالینی و کلینیکی، کارهای آزمایشگاهی و جراحی و ... را شامل می‌شود. دوه (هندی الاصل و کارشناس یونسکو) هدف‌های تربیتی در این حیطه را طبقه‌بندی کرده است.

1- **آمادگی و تقلید:** در این مرحله دانشجو به مشاهده رفتار استاد خود که مشغول انجام مهارت مورد نظر است می‌پردازد.

2- **اجرای عمل مستقل:** در این مرحله سطح یادگیری انداکی بالاتر رفته و به مرحله اجرای آگاهانه‌تر عمل می‌رسد و میزان وابستگی دانشجو به استاد کمتر می‌شود.

3- **دقت در عمل:** اجرای عمل در مرحله قبل، از سرعت و دقت کافی برخوردار نیست اما در این مرحله دانشجو باید کار را همراه با سرعت و ظرافت و دقت خاصی انجام دهد.

4- **هماهنگی حرکات:** هماهنگی حرکات یعنی برقراری هماهنگی بین مجموعه‌ای از اعمال با رعایت نظم و کارایی لازم

5- **عادی شدن عمل:** طی این مرحله دانشجو به طرز خودکار به انجام کارهای دقیق و موزون عادت می‌کند.

به عبارت دیگر او در این سطح نیازی به فکر کردن و صرف انرژی جهت هماهنگی نمودن فعالیت‌ها و تنظیم توالی آنها ندارد.

نمونه فعل‌های رفتاری در حیطه روانی - حرکتی: اندازه می‌گیرد - وصل می‌کند - تصحیح می‌کند - طرح‌ریزی می‌کند - مخلوط می‌کند - حرکت می‌کند - طرح می‌کشد - به کار می‌گیرد - وزن می‌کند.

عادی شده

هماهنگی	هماهنگی	دقت	اجرای مستقل	آمادگی
دقت	دقت	دقت	اجرای مستقل	آمادگی
اجرای مستقل	اجرای مستقل	اجرای مستقل	آمادگی	آمادگی
آمادگی	آمادگی	آمادگی	آمادگی	آمادگی
بالاترین سطح یادگیری می‌باشد که فراگیر تسلط لازم و کافی را به دست آورده است	در این سطح دقت در عمل به تدریج سبب می‌شود که هماهنگی در تمام اعضای بدن به وجود می‌آید	بعد از طی دو مرحله قبل به تدریج در به کارگیری مهارت دقت به وجود می‌آید	در این سطح بعد از تقلید فراگیر اقدام به اجرای آن بدون کمک یا راهنمایی می‌کند	در این مرحله برای یادگیری یک مهارت نیاز به الگو یا تقلید است
اتوماتیک انجام می‌دهد	تسلسل دارد	بدون راهنما انجام می‌دهد	از روی دستور انجام می‌دهد	مشاهده می‌کند

**حضرت علی (ع):**

**این دلها مانند تن‌ها  
خسته می‌شوند برای  
نشاط آن به سخنان  
تازه حکیمانه روی  
بیاورید.**